



The Basics of International Criminalization of Ecocide

Mostafā Fazāeli,¹ Alī Mashhadī,² Seyed Ḥassan Eslāmī Ardakānī,³
Sharāreh Abṭāhī⁴

1. Professor, Department of Public International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: fazaeli2007@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Public International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: droitenviro@gmail.com

3. Professor, Department of Religious Studies, Religions Faculty, International University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: eslami@urd.ac.ir

4. Ph.D. Student in Public International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author). Email: shararehbtahi@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
September 17, 2023

Accepted:
December 15, 2023

Keywords:
*Environment,
Foundations,
International
Criminalization,
Ecology.*



ABSTRACT

Ecocide refers to the extensive damage or destruction of ecosystems within a specific territory. In a specific legal sense, it refers to the destruction of the environment in pursuit of military objectives and extensive environmental damage during war. From the perspective of green criminology, the fundamental challenge in this area is the criminalization of actions by individuals, companies, industries, and governments that, in light of extensive scientific evidence, contribute to the perpetuation of this problem. To overcome environmental challenges and prevent crimes with the scope and severity of ecocide, a shift in approach from superficiality to depth is the key element in both domestic and international criminalization efforts. On the other hand, ecocide is the result of an understanding of the deep and intertwined relationship between human rights and environmental protection. Because the climate change and biodiversity emergency threaten global human rights. Another challenge in the criminalization of ecocide is proving the facts and collecting evidence of severe, long-term, and widespread harm. Because the environment cannot speak for itself, victimology aims to articulate and clarify it as a potential party or subject of rights. This descriptive and analytical research utilizes library studies and combines inductive and deductive reasoning to elucidate the philosophical, human rights, victimological, and criminological foundations. It examines the current state of ecocide and evaluates the feasibility of its criminalization as the fifth crime under the Rome Statute, despite existing challenges.

Cite this article: Salīmī, I., Qīyāsī, J. (2024). Feasibility of Proving the General Aspect of the Crime by Compurgation. *The Criminal Law Doctrines*, 20(26), 185-220

<https://doi.org/10.30513/cld.2023.5508.1900>





مبانی جرم‌انگاری بین‌المللی بوم‌زدایی

مصطفی فضائلی^۱، علی مشهدی^۲، سید حسن اسلامی اردکانی^۳، شراره ابطحی^۴

۱. استاد، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. fazaeli2007@gmail.com

۲. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. droitenviro@gmail.com

۳. استاد، گروه دین‌پژوهی، دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. eslami@urd.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری، حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

shararehabetahi@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

<p>بوم‌زدایی به آسیب گسترده یا تخریب زیست‌بوم‌های یک قلمرو خاص اشاره دارد و در معنای حقوقی خاص، به تخریب محیط زیست در تعقیب اهداف نظامی و آسیب‌های زیست‌محیطی گسترده در طول جنگ اشاره دارد. از منظر جرم‌شناسی سبز، چالش اساسی این حوزه، جرم‌انگاری اقدامات افراد، شرکت‌ها، صنایع و دولت‌هایی است که با وجود شواهد علمی گسترده، به استمرار این مشکل کمک می‌کنند. برای غلبه بر چالش‌های زیست‌محیطی و جلوگیری از ارتکاب جنایاتی با وسعت و شدت بوم‌زدایی، تغییر رویکرد از سطحی‌نگری به ژرفانگری، مؤلفه اصلی جرم‌انگاری‌های داخلی و بین‌المللی است. از سوی دیگر، بوم‌زدایی محصول درک ارتباط عمیق و درهم‌تنیده حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست است؛ چراکه وضعیت اضطراری تغییرات اقلیمی و تنوع زیستی تهدیدکننده حقوق بشر جهانی است. یکی دیگر از چالش‌های جرم‌انگاری بوم‌زدایی، اثبات حقایق و جمع‌آوری شواهد آسیب‌های شدید، بلندمدت و گسترده است، زیرا محیط زیست به خودی خود نمی‌تواند سخن بگوید و بزهدیده‌شناسی به دنبال تبیین و روشنگری آن، به مثابه طرف بالقوه یا موضوع حق است. این پژوهش توصیفی-تحلیلی، با استفاده از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و ترکیبی از براهین استقرایی و استنتاجی، به تبیین مبانی فلسفی، حقوق بشری، بزهدیده‌شناختی و جرم‌شناختی پرداخته و وضعیت کنونی بوم‌زدایی را بررسی کرده و امکان‌سنجی جرم‌انگاری آن را به رغم چالش‌های موجود در اساسنامه رم به عنوان پنجمین جرم، مورد ارزیابی قرار می‌دهد.</p>	<p>نوع مقاله: علمی پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶</p> <p>کلیدواژه‌ها: محیط زیست، مبانی، جرم‌انگاری بین‌المللی، بوم‌زدایی</p>
--	---



استناد: فضائلی، مصطفی؛ مشهدی، علی؛ اسلامی اردکانی، سید حسن؛ ابطحی، شراره. (۱۴۰۳). مبانی جرم‌انگاری بین‌المللی بوم‌زدایی. آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۰(۲۶)، ۱۸۵-۲۲۰. <https://doi.org/10.30513/cld.2023.5508.1900>



مقدمه

«بوم‌زدایی»^۱ مفهومی است که نه به صورت رسمی در اسناد بین‌المللی، بلکه در ادبیات حقوق محیط‌زیست رواج پیدا کرده است. این مفهوم در قیاس با مفهوم «نسل‌زدایی» مطرح شده است. همان‌طور که در نسل‌زدایی صحبت از نابودی عمدی و گسترده گروه‌های انسانی می‌شود، در بوم‌زدایی، محور اصلی، نابودی شدید و گسترده محیط‌زیست است. تخریب گسترده و شدید محیط‌زیست به شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که بر انسان‌ها، زیست‌بوم‌ها و گونه‌های غیرانسانی تأثیر منفی می‌گذارد. از منظر جرم‌شناسی، تلاشی برای جرم‌انگاری فعالیت‌های انسانی است که موجب از بین رفتن، کاهش رفاه و سلامت زیست‌بوم‌ها و گونه‌های درون آن، از جمله انسان می‌شود (رمضانی قوام‌آبادی و ابطحی، ۱۴۰۱، ص ۱۳۳).

مفهوم بوم‌زدایی در واکنش به جنگ زیست‌محیطی ویتنام و از رهگذر یک شبیه‌سازی حقوقی، توسط آرتور ویلیام گالستون^۲ به کار رفته است. از نگاه گالستون، همان‌طور که نابودسازی گروه‌های انسانی جنایتی علیه بشریت بوده و تحت عنوان نسل‌زدایی^۳ جرم‌انگاری شده است، نابودسازی زیست‌بوم‌های طبیعی نیز جنایتی علیه بشریت است و باید تحت عنوان «اکوساید» جرم‌انگاری شود. این در حالی است که جامعه بین‌المللی تاکنون نتوانسته است بوم‌زدایی را به عنوان یک جنایت بین‌المللی مستقل جرم‌انگاری کند (شاملو و قلی‌پور، ۱۴۰۱، ص ۲۵۲-۲۵۴).

برخی از اندیشمندان حوزه حقوق محیط‌زیست، به منظور مقابله با این وضعیت بحرانی و حمایت بهتر از محیط‌زیست، پیشنهاد جرم‌انگاری بوم‌زدایی را مطرح کرده‌اند تا به عنوان «جنایتی علیه صلح»، در صلاحیت یک دادگاه کیفری بین‌المللی قرار گیرد (قلی‌پور و مهرا، ۱۳۹۸، ص ۴۵-۴۶). دیوان کیفری بین‌المللی، عدالت را مؤلفه‌ای اساسی برای صلح پایدار قلمداد می‌کند. در دیباچه اساسنامه دیوان نیز مقرر شده است که جنایات مذکور در این معاهده به قدری خطرناک هستند

1. Ecocide.

2. Galston, Arthur William.

3. Genocide.

که صلح، امنیت و رفاه جهانی را در معرض تهدید قرار می‌دهند (پشمی و نژندی منش، ۱۴۰۱، ص ۹۱-۹۲).

در حال حاضر، طرفداران جرم‌انگاری بوم‌زدایی عمدتاً بر اصلاح اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی^۱ به عنوان پنجمین جرم متمرکز شده‌اند. این رویکرد، مزایا و معایبی دارد. مجمع کشورهای عضو دیوان، مجمعی علنی و آماده برای بحث در مورد مسائل حقوق کیفری بین‌المللی است و مکانیزم‌های اجرایی آن را نیز فراهم می‌کند و به جرم‌انگاری اعتبار بالایی می‌بخشد. اما دیوان کیفری بین‌المللی آستانه‌های بسیار بالایی دارد و دستیابی به این آستانه‌ها، در فضای بین‌المللی کنونی، ممکن است بسیار چالش برانگیز باشد.

در حالی که اکثر نظام‌های ملی این قابلیت را دارند که بوم‌زدایی را به عنوان یک جرم «فراملی» و نه «بین‌المللی» در نظر بگیرند، تقسیم میان جرائم «فراملی» و «بین‌المللی» نیز قابل توجه است، اما در جهات گسترده و حداقل در بدو امر، به جرائمی اطلاق می‌شود که توسط دادگاه‌های ملی و نه بین‌المللی و در پاسخ به چالشی با ابعاد فراملی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

در کنار این مفاهیم، تحلیل جرم‌شناختی بزهکاری منطقه‌ای نیز در مفهوم جغرافیایی و جامعه‌شناختی منطقه مطرح می‌شود. جرم منطقه‌ای در مفهومی خاص، همان جرم فراملی یا جهانی شده است که با توجه به واقعیت تجربی ارتکاب جرائم در گستره کشورهای هم‌جوار و همکاری‌های منطقه‌ای در چارچوب مقررات و کنوانسیون‌های اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شود (رضوی فرد و فرجی، ۱۳۹۹، ص ۴۳-۴۴).

اولین چالش، به اثبات حقایق و جمع‌آوری شواهد آسیب مربوط می‌شود، زیرا «محیط زیست به خودی خود نمی‌تواند صحبت کند» (Fichtelberg, 2015, p.177). چالش دوم، مربوط به فرایند علیت، یا چگونگی ایجاد ارتباط میان قسمت خاصی از آسیب زیست‌محیطی با عامل ایجادکننده آن است. محققان محیط‌زیست به پیچیدگی رابطه علی فعل یا ترک فعل معین و پیامدهای زیان بار محیط‌زیستی آن،

در زمان صلح و جنگ، توجه کرده‌اند. انتساب تخریب زیست‌محیطی در مخاصمات مسلحانه، یکی از موارد دشوار است؛ چراکه ایجاد یک آسیب خاص ممکن است نامشخص باشد یا توسط طرف‌های متخاصم به شدت مورد مناقشه قرار گیرد.

علاوه بر این، ماهیت آسیب‌های زیست‌محیطی، چالش‌هایی را برای پیگرد قانونی بازیگران تجاری به وجود می‌آورد، چراکه اغلب از نظر جغرافیایی از محل ارتکاب «جرم زیست‌محیطی» فاصله دارند. تمامی این موارد ممکن است دادگاه‌های داخلی را دچار مشکل کند، اما برای دادگاه‌های بین‌المللی که از صحنه جرم فاصله دارند، موضوع جدی‌تری است. ملاحظه دیگر این است که دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌تواند به‌طور مستقیم شرکت‌ها را مجازات کند و تعیین اینکه چه کسی باید در این شکل از تخریب، مسئول تلقی شود، مستلزم نوآوری بزرگی در عرصه قاعده‌سازی بین‌المللی خواهد بود.

از سوی دیگر، آسیب‌های گسترده زیست‌محیطی توسط یک عامل واحد به وقوع نمی‌پیوندد و اغلب توسط مجموعه‌ای از عوامل و اسباب ایجاد می‌شود و در نتیجه، احراز مجرمیت متهم، وظیفه خطیری برای مقام تعقیب‌کننده به همراه خواهد داشت.

تا کنون، دوازده کشور در قوانین اساسی و کیفری خود، بوم‌زدایی را تحت عناوین بوم‌زدایی، جنایت علیه بشریت یا آلوده کردن محیط زیست طبیعی جرم‌انگاری کرده‌اند.^۱ گروه دیگری از کشورها، عمدتاً در اروپا، درصد جرم‌انگاری آن هستند.

۱. ویتنام ۱۹۹۰، ازبکستان ۱۹۹۴، فدراسیون روسیه ۱۹۹۶، قزاقستان ۱۹۹۷، قرقیزستان ۱۹۹۷، تاجیکستان ۱۹۹۸، گرجستان ۱۹۹۹، بلاروس ۱۹۹۹، اوکراین ۲۰۰۱، جمهوری مولداوی ۲۰۰۲، جمهوری ارمنستان ۲۰۰۳، قانون اساسی اکوادور ۲۰۰۸ و قانون مجازات ۲۰۱۴:

<http://www.wipo.int/wipolex/en/details.jsp?id=5025>

<https://vbpl.vn/TW/Pages/vbpqen-toanvan.aspx?ItemID=622&dvid=13>

[https://www.policinglaw.info/assets/downloads/2015_Criminal_Code_of_Vietnam_\(English_translation\).pdf](https://www.policinglaw.info/assets/downloads/2015_Criminal_Code_of_Vietnam_(English_translation).pdf)

<https://policehumanrightsresources.org/content/uploads/2016/07/Criminal-Code-Uzbekistan-1994.pdf?x49094>

<https://web.archive.org/web/20150301191204/>

کنوانسیون انمد ۱۹۷۶،^۱ مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل اول کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۷۷ و بند ۴ قسمت ب ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، از اسناد قاعده‌ساز در جرم‌انگاری بوم‌زدایی به شمار می‌روند.

جرم‌شناسی سبز نیز برای توجه به اقدامات خسارت‌بار و جرم‌زای زیست‌محیطی، به مطالعه رویه‌ها، سیاست‌های اجتماعی و جنایی می‌پردازد. دیدگاه انتقادی، جرم‌شناسی ریشه‌های اصلی جرم را در ساختار سیاسی و اقتصادی جوامع می‌بیند. از این منظر، تنها با اعمال تغییرات بنیادین در ساختار و فرهنگ جامعه است که می‌توان گام‌های اساسی برای گسترش عدالت اجتماعی و در نتیجه کاهش جرم برداشت (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۰).

پژوهشگران دیگری نیز در عرصه حقوق داخلی، تقریرات و تحقیقات ارزنده‌ای مرتبط با موضوع این پژوهش انجام داده‌اند که در این مقاله از برخی از آثار آنان بهره‌مند شده‌ایم.^۲

-
- <http://www.russian-criminal-code.com/>
<https://www.ilo.org/dyn/natlex/docs/ELECTRONIC/67156/104401/F1696552027/KGZ67156%20Eng.pdf>
https://sherloc.unodc.org/cld/uploads/res/document/the-criminal-code-of-the-republic-of-kazakhstan_html/Kazakhstan_Criminal_Code_1997_english.pdf
<https://www.warnathgroup.com/wp-content/uploads/2015/03/Tajikistan-Criminal-Code.pdf>
<https://matsne.gov.ge/en/document/download/16426/157/en/pdf>
<http://www.wipo.int/wipolex/en/details.jsp?id=10048>
<https://cis-legislation.com/document.fwx?rgn=1977>
https://sherloc.unodc.org/cld/uploads/res/document/ukr/2001/criminal-code-of-the-republic-of-ukraine-en_html/Ukraine_Criminal_Code_as_of_2010_EN.pdf
https://sherloc.unodc.org/cld/uploads/res/document/criminal-code-of-the-republic-of-moldova_html/Republic_of_Moldova_Criminal_Code.pdf
<https://www.ilo.org/dyn/natlex/docs/ELECTRONIC/65062/61317/F1716776223/ARM65062.pdf>
<https://therightsofnature.org/wp-content/uploads/pdfs/Rights-for-Nature-Articles-in-Ecuadors-Constitution.pdf>

تاریخ مراجعه: آذرماه ۱۴۰۲

1. ENMOD(Environmental modification techniques)

۲. مقالات:

مبانی نهاد حقوقی، به معنای دلایل اعتبار آن نهاد است. حوزه مطالعاتی آن نیز، شامل منابع حقوق می‌شود، در حالی که اگر به دنبال مبانی حقوق به معنای نیروی الزام‌آور حقوق باشیم و پاسخ پرسش خود را در منابع حقوق جست‌وجو کنیم، راه به خطا رفته و از مسیر صحیح منحرف شده‌ایم (منصورآبادی و ریاحی، ۱۳۹۱، ص ۲۲).

در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، با استفاده از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و ترکیبی از براهین استقرایی و استنتاجی، قصد داریم با بررسی و تحلیل مبانی فلسفی، حقوق بشری، بزه‌دیده‌شناختی و جرم‌شناختی، امکان‌سنجی جرم‌انگاری بوم‌زدایی را به عنوان پنجمین جرم اساسنامه رم بررسی کنیم.

۱. مبانی فلسفی

دوگانه‌انگاری انسان و طبیعت دیدگاهی است که با تبیین خاصی از ارتباط میان انسان و طبیعت، نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی در اخلاق زیست‌محیطی یافته است. در این دیدگاه، انسان به عنوان وجه برتر این تقسیم‌بندی،

-
- شاملو، باقر، و غلامرضا قلی‌پور، «میراث حقوق گالستون: بازخوانی فرایند تولد مفهوم اکوساید».
 - قلی‌پور، غلامرضا، و باقر شاملو، «جنایتی علیه توسعه پایدار».
 - حیدری، آیدا، و سیدمجتبی واعظی، «مسئولیت کیفری دولت در حوزه اکوساید».
 - قلی‌پور، غلامرضا، و نسرین مهرا، «جنایت اکوساید: گذشته، حال، و آینده».
 - اصفهانی، نصر، و علیرضا احمدآرش‌پور، «جرم‌انگاری بین‌المللی زیست‌بوم‌زدایی».
 - پایان‌نامه‌ها و رساله‌های مرتبط:
 - خان‌محمدی، محسن، آسیب‌های وارد بر زیست‌بوم در مخاصمات مسلحانه دیوان کیفری بین‌المللی (رساله دکتری).
 - دراهکی، محمد، ابعاد حقوقی-جرم‌شناختی زیست‌بوم‌کشی در حقوق جزایی ایران (رساله دکتری).
 - رحمتی، مهدی، تحلیل جرم‌انگاری اکوساید از منظر حقوق بین‌الملل (پایان‌نامه کارشناسی ارشد).
 - عباس‌پورکارزونی، نرگس، امکان‌سنجی صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی تحت عنوان جرائم علیه بشریت (پایان‌نامه کارشناسی ارشد).
 - اسدی، زینب، مفهوم و ابعاد اکوساید در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق محیط‌زیست (پایان‌نامه کارشناسی ارشد).
 - بابایی، مهدی، بررسی جرم‌شناختی جرائم زیست‌محیطی (اکوساید) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد).

حق هرگونه استفاده و رفتار با طبیعت را دارد. از نظر جنبش بوم‌شناسی ژرف‌انگر، به دلیل درهم‌تنیدگی انسان و طبیعت، نمی‌توان این دورا مجزا از یکدیگر دانست (عبادی و امدادی ماسوله، ۱۳۹۹، ص ۱۳۱).

وقتی به مسائل و مشکلات محیط زیستی معاصر، که ایران و جهان با آن مواجه هستند، می‌نگریم، ما را به این نتیجه می‌رساند که برای حل این چالش‌ها، نیاز به گفتمان سازی داریم و پایه تداوم هرگفتمانی از مفاهیم واحدی سرچشمه می‌گیرد. از این رو، حضور تحلیل‌های فلسفی در مسائل زیست محیطی برای رسیدن به مفاهیم واحد، بسیار مهم و ضروری است.

اخلاق محیط زیستی، یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی است و از حیطه‌های اساسی اخلاق زیستی محسوب می‌شود که به شیوه تعامل انسان با طبیعت می‌پردازد. اخلاق محیط زیستی، شرحی اصولی از روابط اخلاقی میان انسان‌ها و محیط زیست طبیعی آنهاست. فرض اولیه آن است که هنجارهای اخلاقی می‌توانند و باید بر رفتار انسان نسبت به دنیای طبیعی حکمرانی کنند. بنابراین، نظریه اخلاقی محیط زیست باید برای توضیح اینکه این هنجارها چیستند، در قبال چه انسان‌هایی مسئولیت دارند و چگونه این مسئولیت‌ها توجیه می‌شوند، به کار گرفته شود.

به عبارت دیگر، اخلاق محیط زیستی، نقش انسان را به طور مؤثر از فاتح زمین به شهروند و محافظ محیط زیست تغییر می‌دهد. لازمه این نقش جدید آن است که زمین را با نگاهی بنگریم که درخور احترام و عشق است، نه کالایی اقتصادی که باید آن را مصرف کرد و به دور انداخت (Des Jardins, 2006, p.3-4).

با توجه به دو پرسش اساسی اخلاق، یعنی «کانون ارزش ذاتی» و «معیار عمل اخلاقی»، طیفی از رهیافت‌ها در اخلاق زیست محیطی قابل شناسایی است (عبادی و سروستانی، شاه‌ولی و محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۶۲).

رهیافت‌های رایج در اخلاق زیست محیطی عبارت‌اند از: حفاظت‌گرایی^۱

صیانت‌گرایی،^۱ بوم‌شناسی اجتماع،^۲ حقوق حیوانات،^۳ اخلاق زمین،^۴ بوم‌شناسی ژرفانگر،^۵ اکوفمنیسیسم،^۶ نیکداری،^۷ توسعه پایدار^۸ و پایداری^۹ (Brennan, 2002, p.15).

بوم‌شناسی عمیق^{۱۰} یا ژرف، توسط کسانی مانند آرنه نایس،^{۱۱} فیلسوف نروژی مطرح شد. در نظریه بوم‌شناسی ژرفانگر نایس، طبیعت همچون انسان موجودی زنده تصور می‌شود که حق حیات دارد و بدون در نظر گرفتن اینکه چه جایگاهی در زندگی انسان دارد، از ارزش ذاتی برخوردار است. بوم‌شناسی ژرف، از برابری و ارزش حقوقی همه موجودات زنده حمایت می‌کند (مشهدی، ۱۴۰۱، ص ۲۸-۲۹).

بوم‌شناسی برای حفاظت از محیط زیست به دو جنبش سطحی نگر و ژرف‌انگر تقسیم می‌شود. جنبش اول، در پی مبارزه با آلودگی و اتلاف منابع با هدف افزایش سلامتی و ثروت کشورهای توسعه یافته است، در حالی که بوم‌شناسی ژرفانگر ادعا می‌کند که از بوم‌شناسی سطحی مفیدتر است و حرکت به سوی بوم‌شناسی ژرفانگر را وظیفه اخلاقی می‌داند (Naess, 2001, p.147-149). شعار بوم‌شناسی ژرفانگر، «سادگی در وسائل، غنای در اهداف» است. بوم‌شناسی ژرفانگر یا خردبوم‌هنگامی شکل می‌گیرد که خودمان را بخشی از زیست بوم بدانیم، نه تافته‌ای جدا بافته از آن. با این نگرش، نایس دو معیار پایه را که برگرفته از اصول دیگری نیستند، بنیاد اندیشه خود قرار می‌دهد: خودشکوفایی و برابری زیست‌محور. در نگرش رایج، «خود» موجودی جدا و مجزا از عالم است که باید آن را شکوفا کرد و در نهایت، ممکن است شامل نزدیکان فرد شود. اما در نگرش ژرفانگرانه این خود گسترش پیدا می‌کند تا

1. Preservationism.
2. Social Ecology.
3. Animal Right.
4. Land Ethic.
5. Deep Ecology.
6. Ecofeminism.
7. Stewardship.
8. Sustainable Development.
9. Sustainability.
10. Deep Ecology.
11. Arne Naess.

شامل همه زیست بوم‌ها شود و شعار آن، این است که شخص نجات نمی‌یابد، مگر آن که همه نجات پیدا کنند. طبق دومین هنجار، همه اجزای عالم دارای ارزش ذاتی هستند و با ارتباطی به هم پیوسته به پیشبرد حیات کمک می‌کنند. از آنجا که ما بخشی از طبیعت هستیم، هر آسیمی که به آن وارد کنیم، در نهایت به خود ما بازمی‌گردد. بنابراین، باید کوشید تا کمترین تغییر در طبیعت صورت گیرد.

جامعه صنعتی و مصرفی تلاش می‌کند ما را به سمت مصرف‌گرایی سوق دهد و تا سطح موجودی مصرف‌کننده تقلیل دهد (اسلامی اردکانی، ۱۳۹۲، ص ۱۷-۱۹). بوم‌شناسان ژرف‌انگرمایل دارند از تمامیت و یکپارچگی زیست‌کره،^۱ به خاطر خود آن، صرف‌نظر از منافع احتمالی‌ای که برای انسان به همراه دارد، حفاظت کنند. بعدها چند تن از نویسندگان دیگر کوشیده‌اند نظریه محیط‌زیستی «ژرفانگر» را شرح و بسط دهند (سینگر، ۱۳۸۶^۲، ص ۱۵۷).

بنابراین، برای غلبه بر مشکلات، مسائل، مصائب و چالش‌های زیست‌محیطی در حجم و اندازه بوم‌زدایی، تغییر رویکرد و دیدگاه از سطحی‌نگری به ژرفانگری، مؤلفه اصلی و پیش‌روی جرم‌انگاری‌های داخلی و بین‌المللی است.

۲. مبنای حقوق بشری

بوم‌زدایی، محصول درک ارتباط عمیق و درهم‌تنیده حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست است؛ چراکه وضعیت اضطراری تغییرات اقلیمی و تنوع زیستی، با آتش‌سوزی‌های بی‌سابقه، خشکسالی و سیل، موج گرمای مرگ‌بار، ذوب شدن یخچال‌ها و بالا آمدن سطح آب دریاها، «تهدیدکننده حقوق بشر» جهانی است. این تغییرات، پیامدهای گسترده‌ای برای حق حیات، سلامت، مسکن و تعیین سرنوشت به همراه خواهد داشت. در عین حال، برخی از اقدامات انجام شده توسط دولت‌ها و شرکت‌ها برای مقابله با تغییرات اقلیمی و رسیدگی به آسیب‌های زیست‌محیطی، پیامدهای سوئی برای حقوق بشر داشته است.

1. Biosphere.

2. Peter Albert David Singer.

نگرانی‌های مشترک بشری از دو دهه قبل، به عنوان مفهومی زیست‌محیطی در روند مذاکرات مربوط به آثار گازهای گلخانه‌ای در جامعه بین‌الملل هویدا شده است. در سال ۱۹۸۸، در قطعنامه شماره ۴۳/۵۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، موضوع تغییرات اقلیمی به عنوان دغدغه مشترک بشری مطرح شد. نگرانی‌های مشترک بشری به دو دسته تقسیم می‌شوند: قلمروهای مشترک زیست‌محیطی خارج از محدوده حاکمیت دولت‌ها و قلمروهای مشترک در پیوند با حاکمیت ملی آن‌ها (عرب اسدی و رنجبریان، ۱۳۹۷، ص ۴۰۵-۴۰۷).

نظام بین‌المللی حقوق بشر، نهادهای ملی حقوق بشر و دادگاه‌های ملی و منطقه‌ای نیز به تعمیق درک این پیوندها و روشن شدن مسئولیت‌های دولت‌ها و بازیگران غیردولتی در رابطه با حقوق بشر و محیط‌زیست کمک کرده‌اند.^۱ در حالی که ما شاهد درک بیشتری از رابطه متقابل حقوق بشر و حفاظت از محیط‌زیست هستیم، حقوق بشر همچنان انسان محور و اجتناب‌ناپذیر است.

رویکرد حقوق بشری، تنها به اثرات منفی آسیب‌های زیست‌محیطی بر افراد بشر یا نیاز انسان به محیط‌زیست سالم می‌پردازد. قواعد و قوانین حقوق بشر در برابر نابودی زیست‌بوم‌هایی که ارزش آن‌ها برای انسان‌ها آشکار نیست، راهکاری ارائه نمی‌دهند. تعریف بوم‌زدایی که توسط هیئت کارشناسان مستقل برای گنجاندن در اساسنامه رم پیشنهاد شده است، با افزودن عناصری از محیط‌زیست به عنوان ارزش‌های ذاتی حفاظت شده، نیازی به ارتکاب جرم علیه انسان‌ها پیش‌بینی نکرده است.^۲

تعریف پیشنهادی بوم‌زدایی، با تمرکز بر خطر آسیب شدید و گسترده یا بلندمدت محیط‌زیست، بدون نیاز به تأثیر منفی این آسیب بر انسان، تقسیم انسان محوری در مقابل طبیعت محوری را از بین می‌برد و تأکید می‌کند که انسان‌ها و زمین دارای

۱. به عنوان مثال، اقدام اساسی دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر، تغییرات اقلیمی و محیط‌زیست.

<https://www.ohchr.org/Documents/Issues/ClimateChange/COP21.pdf>

۲. هیئت متخصص مستقلی که توسط گروه توقف بین‌المللی بوم‌زدایی تشکیل شده بود نیز، در ژوئن ۲۰۲۱ تعریفی حقوقی از جرم بوم‌زدایی ارائه نمود.

See: www.stopecocide.earth/legal-definition (last accessed on 16 January 2022).

ارزش ذاتی بوده و به هم پیوسته‌اند (Oldring, and Mackintosh, 2022, p.5-8). از سوی دیگر، چالش‌های انسانی که تحت تأثیر بحران اقلیمی و تخریب محیط زیست قرار خواهند گرفت، فقر و نابرابری‌های موجود را تشدید کرده و اشکال جدیدی از تبعیض را به وجود می‌آورد. حتی تخمین‌های محافظه کارانه نشان می‌دهند که اگر اقدامات فوری انجام نشود، ۱۲۰ میلیون نفر تا سال ۲۰۳۰ دچار فقر خواهند شد.^۱ آسیب‌های حقوق بشری مرتبط با چالش‌های شدید زیست محیطی، تبعیض‌های ریشه‌دار و سیستماتیک مبتنی بر جنسیت را تشدید خواهد کرد؛ به طوری که زنان و دختران به طور نامتناسبی از تأثیرات سوء ناشی از تغییرات اقلیمی رنج خواهند برد.^۲ نتیجه یک بررسی نژادی نشان می‌دهد که چگونه بحران تغییرات اقلیمی و تنوع زیستی با چارچوب‌های اقتصادی و سیاسی مرتبط است و به شکل نظام‌مند، حقوق مردمان بومی، آفریقایی تباران و دیگر افراد را نادیده گرفته است.^۳

1. UN Human Rights Council, Report of the Special Rapporteur on extreme poverty and human rights, 'Climate Change and Poverty', 17 July 2019, A/HRC/41/39, p. 4

<https://documentsddsny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G19/218/66/PDF/G1921866.pdf?>

OpenElement; and World Bank, Shock Waves: Managing the Impacts of Climate Change on Poverty (2016), p. 12

<https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/22787>

2. UNEP, UN Women and UN Human Rights, Human Rights, Gender Equality and the Environment: Key Messages, November 2021,

[https://www.ohchr.org/sites/default/files/2022-](https://www.ohchr.org/sites/default/files/2022-03/Final_HumanRightsEnvironmentGenderEqualityKM.pdf)

[03/Final_HumanRightsEnvironmentGenderEqualityKM.pdf](https://www.ohchr.org/sites/default/files/2022-03/Final_HumanRightsEnvironmentGenderEqualityKM.pdf)

See also CEDAW, General Recommendation No.37 on Gender-related dimensions of disaster risk reduction in the context of climate change, 7 February 2018,

https://tbinternet.ohchr.org/Treaties/CEDAW/Shared%20Documents/1_Global/CEDAW_C_GC_37_8642_E.pdf

3. UN Human Rights Council, Report of the UN Working Group of Experts on People of African Descent, 'Environmental justice, the climate crisis and people of African descent', 21 September 2021,

<https://undocs.org/A/HRC/48/78> 21 Thomas, Baptiste et al, 'Climate Change and Small Island Developing States', Annual Review of Environment and Resources, 2020, 45:1-27, at

<https://www.annualreviews.org/doi/pdf/10.1146/annurevenviron-012320-083355>

ارزیابی حقوق بشر، همچنین آسیب‌پذیری ویژه کودکان را در برابر تأثیرات تخریب محیط‌زیست نشان می‌دهد. در حالی که همه کودکان در برابر تأثیرات منفی تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر هستند، تقریباً نیمی از کودکان جهان در مکان‌هایی زندگی می‌کنند که به دلیل فقر و عدم دسترسی به آب تمیز و مراقبت‌های بهداشتی در معرض خطر «بسیار بالا» قرار دارند.^۱

تخریب محیط‌زیست، تأثیر مخربی نیز بر حقوق بشر مردم بومی گذاشته است؛ چراکه بسیاری از آن‌ها به زیست‌بوم‌ها و مناطقی وابسته هستند که به‌ویژه در معرض تأثیرات تغییرات اقلیمی و تهدیدهای شدید آب‌وهوایی مانند سیل، خشکسالی، موج گرما، آتش‌سوزی و طوفان قرار دارند.^۲ استعمار و ویرانی زیست‌محیطی نه تنها منابع طبیعی و معیشت مردمان بومی را در کشورهای سراسر جهان تحت الشعاع قرار می‌دهد، بلکه هویت و بقای فرهنگی آن‌ها را نیز تهدید می‌کند.

تردیدی نیست که کمبود منابع حیاتی، مانند عدم دسترسی به آب یا غذای پاک ناشی از تخریب شدید محیط‌زیست، موجب نقض حقوق اساسی بشر می‌شود. در عین حال، وجود قصد در جنایت نسل‌زدایی، محدودیت اصلی اعمال این مقررات برای ممنوعیت آسیب‌های زیست‌محیطی به‌عنوان وسیله ارتکاب جنایات علیه بشریت، مقرر در عناصر مندرج در ماده ۷ (۱) اساسنامه رم است که وجود حمله سیستماتیک گسترده و احراز علم و آگاهی برای ارتکاب آن را ضروری می‌داند (Freeland, 2015, p.204-205).

1. UNICEF (2021), The Climate Crisis is a Child Rights Crisis: Introducing the Children's Climate Risk Index, www.unicef.org/reports/climate-crisis-child-rights-crisis. UNICEF reports a major disconnect between the countries where greenhouse gas emissions are generated and those where children are enduring the most

Significant climate-driven impacts, with the 33 countries listed as 'extremely high-risk', in terms of the impact on children, emitting only 9 percent of global CO2 emissions. The 10 highest emitting countries collectively account for nearly 70 percent of emissions.

2. UN Human Rights Council, Report of the UN Special Rapporteur on the rights of indigenous peoples, A/HRC/36/46, 1 November 2017, <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G17/330/97/PDF/G1733097.pdf?OpenElement>

اگر بخواهیم یکی از حوزه‌های جدید درگیری ارزشی و حمایت‌گرانه حقوق کیفری نوین را در نظام‌های حقوقی پیشرو نام ببریم، همانا قلمرو حفاظت کیفری از محیط زیست و اقلیم است؛ اگرچه در فرایند ایفای نقش حقوق کیفری از ارزش‌ها، نگرانی تداخل نقش یا تعارض میان «حقوق کیفری» و «حقوق بشر» وجود دارد، اما از آنجا که تلاش برای پایداری و مانایی محیط زیست طبیعی و اقلیم، خود یکی از نسل‌های جدید حقوق بشر است و پیوند مستحکمی با هم دارند، قطعاً حمایت حقوق کیفری از محیط زیست و اقلیم می‌تواند در راستای احقاق حقوق انسانی و به ویژه نسل‌های آینده باشد (رضوی فرد، ۱۴۰۱، ص ۱۳-۱۷).

جرم‌انگاری بوم‌زدایی قادر است تا شرکت‌های بزرگ بین‌المللی را به شکلی که چارچوب‌های حقوق بشری به تنهایی قادر به انجام آن نیست، مسئول قلمداد کند. در عین حال، مسئولیت شرکت‌ها برای انجام بررسی‌های لازم در زمینه حقوق بشر، همان‌طور که توسط اصول راهنمای سازمان ملل در زمینه تجارت و حقوق بشر ترسیم شده است، می‌تواند به بازدارندگی بوم‌زدایی کمک کند. بر اساس قواعد بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها در ترسیم مسئولیت شرکت‌ها، نقش اصلی را بر عهده دارند.

اصول راهنمایی که توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱ تأیید شد،^۱ در مورد وظیفه حفاظت و همچنین مسئولیت شرکت‌ها برای احترام به حقوق بشر است و مستلزم آن است که کسب و کارها «از ایجاد یا کمک به تأثیرات نامطلوب بر حقوق بشر از طریق فعالیت‌های خود اجتناب کنند و به چنین تأثیراتی در هنگام وقوع آن رسیدگی نمایند».^۲ دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل

1. UN Human Rights Council resolution 17/4, 'Human rights and transnational corporations and other business enterprises', 6 July 2011, A/HRC/RES/17/4, https://ap.ohchr.org/documents/dpage_e.aspx?si=A/HRC/RES/17/4

2. UN Human Rights Council, Report of the Special Representative of the Secretary-General on the issue of human rights and transnational corporations and other business enterprises, 'Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations "Protect, Respect and Remedy Framework"', A/HRC/17/31, 21 March 2011, <https://digitallibrary.un.org/record/705860>

متحد در زمینه تغییرات اقلیمی، این مسئولیت‌ها را خلاصه کرده است که شامل ممانعت از انتشار گازهای گلخانه‌ای و زباله‌های سمی، آلودگی هوا، آب و خاک، و جنگل‌زدایی می‌شود که تأثیر نامطلوبی بر زندگی و سلامت انسان، زیست‌بوم‌ها و تنوع زیستی دارد.^۱

اصول راهنما، تنها زمانی لازم‌الاجرا هستند که در سطح ملی به قانون تبدیل شوند و بحث‌ها دربارهٔ سند الزام‌آور بین‌المللی ۲۰۱۴ «شرکت‌های فراملی و سایر شرکت‌های تجاری در زمینه حقوق بشر» همچنان ادامه دارد.^۲ با وجود این، کشورها اجرای رژیم‌های اجباری رعایت حقوق بشر را در سطوح داخلی و منطقه‌ای با هدف جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی و اقلیمی و افزایش مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها مدنظر قرار می‌دهند.^۳

۳. مبانی بزه‌دیده‌شناختی

یکی از چالش‌های جرم‌انگاری بوم‌زدایی، به اثبات حقایق و جمع‌آوری شواهد آسیب‌های شدید، بلندمدت و گسترده مربوط می‌شود، زیرا محیط‌زیست به خودی

1. N OHCHR, Fact Sheet No. 38: Frequently Asked Questions on Human Rights and Climate Change (2021), p 36,

https://www.ohchr.org/Documents/Publications/FSheet38_FAQ_HR_CC_EN.pdf

2. UN Human Rights Council resolution 26/9, 14 July 2014, A/HRC/RES/26/9, <https://documents->

[ddsny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G14/082/52/PDF/G1408252.pdf?](https://documents-ddsny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G14/082/52/PDF/G1408252.pdf?)

OpenElement. A third revised draft of the 'legally binding instrument to regulate, in international human rights law, the activities of transnational corporations and other business enterprises', published on 17 August 2021, was discussed at 7th session of the intergovernmental working group on 25 – 29 October 2021. See

https://www.ohchr.org/sites/default/files/Documents/HRBodies/HRCouncil/WGTransCorp/Session6/LBI3rdD_RAFT.pdf

3. for example, the European Commission initiative towards the adoption of mandatory human rights and environmental due diligence for certain companies, at

https://ec.europa.eu/info/law/better-regulation/haveyour-say/initiatives/12548-Sustainable-corporate-governance_en

خود نمی‌تواند سخن بگوید و بزه‌دیده‌شناسی به دنبال تبیین و روشننگری آن به مثابه طرف بالقوه حق و یا به عنوان موضوع حق است.

تعریف بزه‌دیدگی،^۱ مسئله‌ای نظری و فلسفی است. به عنوان مثال، طبیعت محوری به این معناست که ارزش محیط‌زیست جدای از هرگونه ارزش ابزاری و سودمندگرایی برای انسان در نظر گرفته می‌شود

(Berry & De Luci Preston, 1999, p.259) و اساساً بر چند اصل کلیدی که به ارزش

ذاتی طبیعت از جمله گیاهان و جانوران ارتباط پیدا می‌کند، مبتنی است (Williams, 2013, p.259-284). حفاظت از محیط‌زیست ممکن است بر اساس یکی از مفاهیم مرتبط با حقوق طبیعت به عنوان موضوعی مربوط به حقوق، یا به عنوان شیء واجد ارزش، حفاظت شود. عملکرد طبیعت به عنوان ارزشی ذاتی که تعهد اخلاقی و وظیفه^۲ مراقبت از آن را ایجاد می‌کند، مورد توجه قرار می‌گیرد (Fisher, 2010, p.10).

یکی از جنبه‌های اساسی طبیعت محوری این است که به موجوداتی مانند حیوانات، گیاهان و رودخانه‌ها به عنوان دارندگان بالقوه حقوق و یا اشیایی که انسان وظیفه^۲ مراقبت از آن‌ها را بر عهده دارد، اندیشیده شود، زیرا از نظر فلسفی منافع آن‌ها مهم در نظر گرفته می‌شود (Schlosberg, 2007, p.18). این مطلب با رفتارهای متداول حفاظت از محیط‌زیست، که بر حقوق بشر تمرکز دارد، در تضاد قرار دارد و علاوه بر این، «محیط‌زیست» را به راحتی و به طور مختصر در اصطلاحات انسان‌محور^۲ یا انسان‌گرایی^۳ تعریف می‌کند (Council of Europe, 2012).

انسان محوری برای انسان‌ها و منافع انسانی، بیش از غیرانسان‌ها و منافع آن‌ها امتیاز و حق قائل است (De Lucia, 2015, p.91). از طرف دیگر، طبیعت محوری طبیعت را دارای ارزش ذاتی می‌داند. از منظر دیدگاه انسان محوری، آسیب به محیط‌زیست صرفاً در صورتی مورد توجه قرار می‌گیرد که با توجه به ارزش‌های انسانی (به عنوان مثال، از نظر اقتصادی، زیبایی‌شناسی و فرهنگی) قابلیت اندازه‌گیری داشته باشد (Lin, 2006, p.898-985).

1. Victimhood

2. Human-center

3. Anthropocentrism

بزه‌دیده‌شناسی سبز، گفتمانی فراتراز بزه‌دیده‌شناسی متعارف دارد که همواره رویکردی انسان‌مدارانه داشته است و انسان‌ها را به‌عنوان بزه‌دیده معرفی کرده است (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹-۱۱۱). بزه‌دیدگان سبز به چهار دسته اشخاص، جانوران، درختان و گیاهان تقسیم می‌شوند (قاری سیدفاطمی و مشهدی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۱-۲۵۲). به‌دست آوردن یک معیار مشخص از قربانیان زیست‌محیطی، شامل قربانیان بلندمدت یا همیشگی در اثر بلایای زیست‌محیطی خزنده؛ مانند تغییرات آب و هوایی، تغییرات در سطح آب دریا، اعتراض به وقایع نشست نفت یا انتشار هسته‌ای است. این مفهوم از قربانیان، به کسانی اطلاق می‌شود که تحت تأثیر آسیب زیست‌محیطی قرار می‌گیرند (عباچی، ۱۳۹۲، ص ۸۰-۸۵). به تعبیر دیگر، منظور از بزه‌دیده سبز، هرآن چیزی است که جزء ذات طبیعت است و عبارت‌اند از: هوا، آب، خاک، جانوران، درختان، گیاهان و زمین (شاملو، احمدی و خسروشاهی، ۱۳۹۶، ص ۴۰). موجودات غیرانسان به‌عنوان بزه‌دیدگان محیط زیست و آسیب‌های زیست‌محیطی، همواره به‌طور سنتی نادیده گرفته شده‌اند. در نتیجه، قربانیان آسیب‌های زیست‌محیطی به‌طور گسترده به‌عنوان قربانیان جرم شناخته نمی‌شوند و بنابراین از دیدگاه سنتی، بزه‌دیدگی که عمدتاً مبتنی بر ساختارهای متعارف جرم نیست، نادیده گرفته شده و حذف می‌شود (White, 2018, p.239-255). بنابراین، لازمه جرم‌انگاری و در پی آن ایجاد قوانین متناسب و کارآمد، آغاز از مقدمه آن است که همانا بزه‌دیده تلقی کردن و لزوم حق‌انگاری برای این دسته از موجودات است. از دیدگاه عدالت بوم‌محور (White, 2013, p.57)، بزه‌دیدگی می‌تواند در سه حوزه عدالت و بزه‌دیدگی هم‌پوشانی داشته باشد: عدالت زیست‌محیطی، عدالت اکولوژیکی و عدالت گونه‌ها (بزه‌دیده؛ حیوانات و گیاهان هستند). آسیب‌های زیست‌محیطی به‌طور سنتی نادیده گرفته می‌شوند و از نظر اجتماعی و قانونی کم‌اهمیت شده و به تبع آن، بزه‌دیدگان مختص به خود را نیز به همراه دارند (Hall, 2013). به‌عنوان مثال، اسکیندر^۱ در گزارشی که جرائم زیست‌محیطی و بزه‌دیدگی را به نمایش می‌گذارد، بررسی می‌کند که «تحقیقات تاریخی در مورد جرائم

زیست محیطی فاقد عمق نظری و روش شناختی اعمال شده در سایر جرائم سنتی بوده است». این برداشت از جرم در حوزه محیط زیست به معنی جرم «بدون بزه دیده» است و تا حدی پیش می‌رود که آسیب و صدمه ممکن است ایجاد شود، ولی برای مدت طولانی قابل شناسایی نباشد (Skinnider, 2011, p.2). این امر با چشم‌پوشی از فعالیت‌های مضر برای محیط زیست توسط دولت‌ها، صنعت و در برخی موارد جوامع خاص و به‌طور کلی جامعه، بیشتر می‌شود.

علاوه بر این، بزه‌دیدگی محیط زیست فقط یک تجربه انسانی نیست. به عنوان مثال، در تفسیرهای اخیر جرم‌شناسی، افراد حیوانی^۱ به عنوان «بزه‌دیدگان» مورد توجه قرار گرفته‌اند، در حالی که در قانون و در بیشتر حوزه‌های قضایی، غیرانسان‌ها را نمی‌توان به عنوان بزه‌دیدگان جرم طبقه‌بندی کرد (Flynn, Hall, 2017, p.299-318). در این زمینه، به‌طور گسترده از رویکرد آسیب‌های اجتماعی^۲ در تعریف بزه‌دیدگی استقبال شده است (Pemberton, 2016). گاهی نیز به آسیب‌شناسی اجتماعی^۳ اشاره می‌شود که ادعا می‌کند تعاریف قانونی بسیار محدود هستند و انواع مهم آسیب‌ها را در بر نمی‌گیرد (Hillyard & Tombs, 2007, p.9-25). بنابراین، مطالعات اجتماعی و قانونی ویژه و خاصی در مورد چگونگی ایجاد و ایراد آسیب‌های وارده به افراد غیرانسان انجام شده است (Sollund, 2017, p.79-99). آنچه آسیب اجتماعی را «اجتماعی» می‌کند ناشی از این واقعیت است که از علل طبیعی ناشی نمی‌شود، بلکه به‌طور ذاتی توسط انسان ایجاد می‌شود.

1. Non-human animals

2. Social harms

3. Zemiology.

واژه «Zemiology» از کلمه یونانی «Zemia» به معنای صدمه، آسیب و زیان گرفته شده است. «آسیب‌شناسی اجتماعی» به مطالعه طیف گسترده‌ای از صدمه‌های اجتماعی می‌پردازد که بسیاری از انسان‌ها در طول زندگی خود آن‌ها را متحمل می‌شوند و به عنوان قربانیان یا بزه‌دیدگان این آسیب‌ها تلقی می‌شوند. البته، تنها بخش کوچکی از این آسیب‌ها از طریق جرم‌انگاری وارد حوزه حقوق کیفری می‌شود. «جرم‌شناسی» تنها به مطالعه این دسته از صدمات (یعنی صدمات کیفری که جرم‌انگاری شده‌اند) می‌پردازد. (برای مطالعه بیشتر درباره حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی، نک: ماده ۱ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ و تبصره ۲ آن).

آسیب‌شناسی اجتماعی، یک رویکرد انتقادی کلی به جرم‌شناسی دارد. آسیب‌شناسان اجتماعی، طبقه‌بندی جرائم بر اساس شدت و یا ضعف مجازات را نیز زیر سؤال می‌برند. به عقیده آنها، طبقه‌بندی جرائم به جنایت، جنحه و خلاف، موضوعیت خود را از دست داده است و دیگر نمی‌توان تنها بر اساس این دسته‌بندی، شدت و وخامت جرائم را تعیین کرد. آن‌ها معتقدند که باید آسیب‌ها را با وسعت دید کلان مطالعه کنیم، در حالی که در جرم‌شناسی متعارف، آثار نابسامانی‌های اقتصادی-سیاسی در سطح کلان و عوامل خرد بررسی می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۸-۳۱).

با این حال، آسیب‌های اجتماعی به‌طور کلی با لحاظ کردن نیازها، حقوق و رفاه انسان تعریف می‌شوند. جرم‌شناسی سبز، با عوامل و عناصر غیرانسانی و همچنین انسان در ارتباط است. این مسئله فراتر از توجه به غیرانسان به عنوان بزه‌دیده است (White, 2013). به عنوان مثال، کوه‌ها، حیوانات، گیاهان و زیست‌بوم‌های خاص همه می‌توانند در شرایط خاص «بزه‌دیده» شناخته شوند (Cullinan, 2003, p.136-145). در واقع، تعاریف گسترده‌تر از حقوق و عدالت، تعریف «بزه‌دیده» را شامل می‌شود و به لحاظ مفهومی، غیرانسان‌ها را در حوزه‌های مختلف در بر می‌گیرد. دیدگاه عدالت بوم‌محور به این موضوع به عنوان موجود یا شیء خاصی که آسیب دیده است، می‌نگرد (White, 2013, p.2). اولین چالش جرم‌انگاری بوم‌زدایی نیز به اثبات حقایق و جمع‌آوری شواهد آسیب‌های شدید، بلندمدت و گسترده مربوط می‌شود، زیرا محیط‌زیست به خودی خود نمی‌تواند سخن بگوید (Fichtelberg, 2015, p.177) و بزه‌دیده‌شناسی به دنبال تبیین و روشن‌نگری آن به مثابه طرف بالقوه حق است.

۴. مبانی جرم‌شناختی

بوم‌زدایی، به تخریب محیط‌زیست در مقیاس قابل توجهی اشاره دارد. اصطلاح «بوم‌زدایی»^۱ همان‌طور که یاد شد، در اواخر دهه ۱۹۶۰ و در پاسخ به تأثیر جنگ بر

1. ECOCIDE.

محیط زیست پدیدار شد و از آن زمان به منظور اشاره به تأثیرات منفی بر محیط زیست، هم در زمان صلح و هم جنگ، استفاده شده است (Freeland, 2015; Gray, 1996, p.215; Higgins, 2013, p.212; Zierler, 2012).

با توجه به این مفهوم، این عبارت برای اشاره به آسیب گسترده، تخریب یا نابودی زیست بوم‌های یک قلمرو خاص به کار می‌رود و شامل هر دو نوع آسیب، طبیعی (برای مثال، هجوم آفات به یک زیست بوم) و آسیب ناشی از فعالیت‌های انسانی می‌شود (Higgins, 2010, p.212).

واژه بوم‌زدایی برای مفهوم‌سازی فرایند تعریف آسیب استفاده می‌شود، اما علل و محتوای آسیب‌ها بسته به نحوه تعریف و کاربرد آن، متفاوت است و همیشه به وقوع جرم اشاره نمی‌کند. به عنوان مثال، بوم‌زدایی به عنوان یک مفهوم زیست محیطی می‌تواند برای توصیف فرایندهای طبیعی زوال و دگرگونی زیست بوم استفاده شود (Higgins, 2012, p.25).

اخیراً این مفهوم در مقیاس جهانی نیز مورد توجه قرار گرفته است، زیرا پیامدهای تغییرات اقلیمی در سطح سیاره زمین دگرگون‌کننده و فاجعه‌بار است (White, 2013, p.21). برخی نظریه پردازان حقوق بین‌الملل استدلال می‌کنند که از منظر حقوقی و جرم‌شناختی، اگر چنین آسیبی در نتیجه فعالیت انسانی (افراد، شرکت‌ها و یا دولت-ملت‌ها) رخ دهد، باید به عنوان جرائم علیه صلح تعریف شود (Higgins, 2013, p.21).

در تعریفی گسترده، بوم‌زدایی در وهله نخست، نابودی و تخریب زیست بوم‌ها و محیط‌های خاص آن‌ها را در بر می‌گیرد و عواقب مضری برای موجودات زنده‌ای که در آن زندگی می‌کنند، به دنبال دارد. هنگامی که این امر به دلیل انواع خاصی از فعالیت‌های انسانی رخ می‌دهد، بوم‌زدایی نیز به اصطلاحی تبدیل می‌شود که شکل خاصی از ارتکاب جرم را توصیف می‌کند. با این حال، در حال حاضر و صرفاً در شرایط خاص جنگ، به عنوان جرم بین‌المللی تلقی می‌شود.

با این حال، این تعریف قانونی خاص با توجه به وضعیت فعلی محیط زیست بسیار محدود است. برای مثال، به روند گرمایش زمین و آن دسته از فعالیت‌هایی که

ممکن است تأثیر بیشتری نسبت به اقدامات نظامی داشته باشد و کل کره زمین را درگیر کند، توجه نشده است (Martin & Damien, 2018, p.298; White, 2013, p.23). از سوی دیگر، بوم‌زدایی را می‌توان به عنوان یک جرم بالقوه و گسترده و به روش‌های مختلفی مفهوم‌سازی کرد. میان دیدگاهی که بر تعاریف آسیب به انسان و رفاه او تمرکز دارد (دیدگاه انسان‌محور) و دیدگاهی که غیرانسان را در مفهوم‌سازی‌های خود محور قرار می‌دهد (دیدگاه طبیعت‌محور)، می‌توان تمایز قائل شد. در وهله نخست، اعمال خلاف و آسیب‌زا برای دیگران، به صورت انسان‌محور و از یک الگوی حقوق بشری سرچشمه می‌گیرد و منعکس‌کننده آن است. بوم‌زدایی از این منظر، مکمل رویکرد موجود در اساسنامه رم است که به نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی از جمله تخریب محیط‌زیست در طول جنگ و تجاوز می‌پردازد. با این حال، مفهوم دیگری از جرم بوم‌زدایی نیز وجود دارد که با ایده سرپرستی زمین مرتبط است. بوم‌زدایی در این مفهوم اخیر، با دیدگاه طبیعت‌محور که محیط‌زیست را جدا از هرگونه ارزش ابزاری یا سودمندگرایی برای انسان، به خودی خود ارزشمند می‌پندارد، همسواست (Williams & Claire, 2013, p.259; Berry & Thomas, 1999).

در رویکرد طبیعت‌محوری، حیوانات، گیاهان و رودخانه‌ها به عنوان دارندگان حقوق یا اشیایی در نظر گرفته می‌شوند که انسان وظیفه مراقبت و نگهداری از آن‌ها را برعهده دارد (Fisher & Douglas, 2010:10). در رویکرد طبیعت‌محور (Schlosberg & David, 2018, p.342) از این منظر، بوم‌زدایی جرمی است که نه تنها علیه انسان‌ها، بلکه علیه موجودات غیرانسانی نیز ارتکاب می‌یابد. بر این اساس، از آنجایی که فقط انسان را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، در حالت ایده‌آل باید بتوان پرونده‌ای را از سوی موجودات غیرانسان واجد حق، در رابطه با بوم‌زدایی در دادگاه مطرح نمود (Higgins, 2013, p.25).

اندیشمندانی مانند هیگینز استدلال می‌کنند که بوم‌زدایی باید به عنوان جرمی با مسئولیت معین و از پیش تعریف شده در نظر گرفته شود (Higgins, 2013, p. 26). دلیل این امر این است که جرم بوم‌زدایی ذاتاً بسیار شدید و خطرناک است. برای مثال،

از این اصطلاح برای توصیف آسیب‌های مرتبط با زباله استفاده نمی‌شود، زیرا بوم‌زدایی شامل آسیب‌هایی در مقیاس قابل توجهی است و این شدت آسیب است که در نهایت اهمیت دارد.^۱

از نظر هیگینز، اغلب بوم‌زدایی‌ها ناشی از فعالیت انسان، دولت‌ها و شرکت‌هاست. بنابراین، این نهادها باید از نظر قانونی موظف باشند تا به هرگونه فعالیت تجاری که باعث آسیب یا تخریب گسترده زیست‌بوم می‌شود، پایان دهند (Higgins, 2013, p. 250).

جرم‌شناسی انتقادی، پیش‌فرض‌ها و نظریه‌های جرم‌شناسی تحقیقی را مورد بررسی قرار می‌دهد و رویکرد مطالعاتی خود در زمینه بزهکاری را بر نظام سیاسی و اقتصادی حاکم، به‌ویژه ساختار قانون‌گذاری و عدالت کیفری، متمرکز می‌کند. نظریه‌های انتقادی ابتدا در قالب جرم‌شناسی واکنش اجتماعی (دهه ۱۹۷۰) مطرح شدند. شاخه‌های این جرم‌شناسی، شامل جرم‌شناسی رادیکال است که به نوعی از مارکسیسم الهام می‌گیرد و در زمان خود به‌عنوان جرم‌شناسی انتقادی یا جرم‌شناسی جدید شناخته شد و از اصول و مفاهیم جرم‌شناسی تحقیقی فاصله گرفت. تعامل‌گرایی، کنترل‌شناسی یا جرم‌شناسی سازمانی و تا حدی بزه‌دیده‌شناسی نیز از شاخه‌های این رشته به‌شمار می‌روند (گسن، ۱۳۶۵، ص ۱۶۶-۱۵۹).

نظریه‌های انتقادی سپس، در معنای وسیع‌تر، عمدتاً از دهه پایانی ۱۹۹۰ به بعد، گرایش‌های متنوعی مانند جرم‌شناسی طرفدار صلح، سازش و آشتی (که به نوعی طرفدار عدالت ترمیمی در حوزه قضایی است)، جرم‌شناسی پسامدرن، جرم‌شناسی فمینیستی، جرم‌شناسی واقع‌گرایی چپ، جرم‌شناسی فرهنگی، جرم‌شناسی خبرساز، جرم‌شناسی عمومی، جرم‌شناسی محکوم، جرم‌شناسی انتقادی نژادی، جرم‌شناسی فرهنگی، جرم‌شناسی سبزی یا «جرم‌شناسی حفاظتی محیط‌زیست»^۲ را

۱. در این زمینه، بوم‌زدایی جرم عمده‌ی در نظر گرفته نمی‌شود، به‌ویژه با توجه به اینکه بیشتر سران کشورها یا شرکت‌ها به‌طور هدفمند اقدام به ارتکاب بوم‌زدایی نمی‌کنند. با این حال، شاید در شرایط معین که پیش‌آگاهی و قصد وجود دارد، مصداق پیدا کند. برای مثال، زمانی که تخریب محیط‌زیست بخشی از یک حرکت استراتژیک برای رسیدن به هدف دیگری است، مانند تخریب محیط‌زیست در زمان جنگ.

2. Conservation criminology.

شامل می‌شود. این جرم‌شناسی‌ها به مطالعه رویه‌ها و سیاست‌های اجتماعی که برای محیط‌زیست، آب، خاک، فضای سبز، جانداران دریایی، گونه‌های حیوانی و... مضر و خسارت‌بار هستند، می‌پردازند. همچنین، جرم‌شناسی زیست‌انتقادی، جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی و... نیز از دیگر شاخه‌های آن به شمار می‌روند (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۸، ص ۳۱-۲۸؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، ص ۲۰-۱۷).

تخریب محیط‌زیست توسط انسان، موجب بروز مشکلات عدیده‌ای از جمله آلودگی آب‌ها، از بین رفتن جنگل‌ها، کاهش تنوع زیستی و جانوری و شیوع امراض می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۹۸، ص ۴۸-۴۵). علاوه بر بحران‌های زیست‌محیطی که نتیجه آن تخریب مستقیم محیط‌زیست، نابودی زیستگاه‌های طبیعی و انقراض گونه‌های نادر گیاهی و جانوری و ایجاد انواع آلودگی‌هاست، آثار سوئی بر انسان نیز می‌گذارد.

جرم‌شناسی در خصوص جرائم و آسیب‌های زیست‌محیطی، سؤالاتی مطرح می‌کند. بنابراین، در پاسخ به این سؤالات و با توجه خاص به محیط‌زیست و توسعه آن، رشته‌ای جدید به نام جرم‌شناسی سبزه وجود آمده است که همانند بسیاری از گرایش‌های جرم‌شناسی از همان بدو تولد با چالش‌هایی مواجه بوده است (عباچی، ۱۳۹۲، ص ۷۹۱).

در جرم‌شناسی سبزه، سه رهیافت نظری مستقل در حوزه جرم‌انگاری جرائم زیست‌محیطی وجود دارد. در اولین رهیافت، جرائم زیست‌محیطی از طریق نظریات جرم‌شناختی زیست‌محیطی به عنوان جرائمی علیه اشخاص و اموال تعریف می‌شوند. چالش‌های جرم‌شناختی در این رهیافت شامل تعبیه سامانه‌های نظارتی است که قادر باشند به صورت مؤثر، قوانین موجود را اجرا و بزهکاران را تنبیه کنند. در این رهیافت، بیشترین تمرکز بر رفتار شرکت‌ها و سازمان‌ها و شیوه تضمین سازگاری آن‌ها با هنجارهای موجود است. امروزه ضمانت‌اجراهای ساده‌تری برای مقامات اجرایی ملی و فراملی وجود دارد، اما این ضمانت‌ها ناکافی هستند، زیرا پس از ارتکاب جرم اعمال می‌شوند. به عنوان مثال، تخلیه مواد سمی، نابودی زیستگاه‌ها و اکوسیستم‌ها، و رهاسازی آلاینده‌ها، همراه با کیفرهای مالی اندکی است که اثر

بازدارنده آن‌ها، اندک و مورد تردید است. برخی جرم‌شناسان پیشنهاد می‌کنند که راهکار مؤثرتر برای تنبیه شرکت‌ها، شرمساری و بدنام‌سازی آن‌هاست (Braithwaite, 1998; Hawkins, 1990, p.444-446).

شرکت‌های فعال در زمینه‌های بازرگانی نسبت به مخدوش شدن حیثیت خود حساس هستند. بنابراین، سایر جرم‌شناسان پیشنهاد کرده‌اند که مقررات شرکت‌ها باید محیط زیست مدار شوند و ضروری است که از این فرضیه آغاز شود که محیط زیست طبیعی، حق برآلوده نشدن و از بین نرفتن دارد. در این طرح، بار اثبات اینکه تخلیه مواد یا فعالیت بی‌ضرر بوده است، به جای آنکه برعهده نهاد‌های عدالت کیفری باشد، برعهده یک شرکت یا به‌طور بالقوه یک شخص قرار می‌گیرد تا مقصرین انتشار مواد زیان‌بار را مشخص کند (Miller, 1995, p.374-393).

دومین رهیافت جرم‌شناختی، رویدادهای زیست‌محیطی را از طریق گفتمانی تحت عنوان جرائم سبز مطالعه می‌کند (Lynch & Stretsky, 2003, p.217-238). جرائم سبز همانند دیگر بزه‌ها، ساختارهایی اجتماعی هستند که از موقعیت‌های اجتماعی و روابط قدرت در جامعه متأثر می‌شوند. جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی آسیب‌های زیست‌محیطی، اختلافی میان نیروهای اجتماعی رقیب است و قوانین گیج‌کننده و متناقضی دارد، مانند استفاده از دارو و شاهدهانه که ممنوع است، درحالی‌که الکل از چنین وضعیتی برخوردار نیست. قوانین محیط‌زیستی و تعریف جرائم زیست‌محیطی نیز دستخوش اختلاف و اعتراض هستند. مواردی که از نظر زیست‌محیطی بی‌خطرند و آن‌هایی که زیان‌بارند، موضوع اختلافات بی‌پایان هستند.

در نهایت، برخی پیشنهاد کرده‌اند که امروزه جرم‌شناسی به خوبی برای توجه به جرائم زیست‌محیطی مجهز نیست و اگر جرم‌شناسی بخواهد با چالش‌های زیست‌محیطی روبه‌رو شود، به ساختارهای میان‌رشته‌ای جدیدی نیاز دارد. در واقع، مارک هالسی^۱ فراتر رفته و علیه جرم‌شناسی سبز موضع‌گیری کرده است، به این دلیل که این برنامه از آغاز معیوب بوده و عمیقاً در نارسایی‌های همراه با تفکر مدرن غوطه‌ور شده است (Halsey, 2004, p.833-853).

1. Halsey.

همچنین، والترز معتقد است که هیچ تردیدی وجود ندارد که رویارویی جرم‌شناسی با موضوعات زیست‌محیطی، آن را به سمت پرسش‌هایی از حقوق بشر و حاکمیت سوق داده و این پرسش‌ها می‌تواند به تعمیق مشارکت جرم‌شناسی در مقررات‌گذاری سیاست‌های فراملی و آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی که از نظام‌های مدرن تولید شرکتی و مصرف‌پدید می‌آید، کمک کند (Walters, 2006, p.26-48).

پیچیدگی‌های زیان‌های زیست‌محیطی به این مفهوم است که علایق سنتی جرم‌شناسی به جرم، به‌سادگی برای شناخت یا پاسخ‌دهی به این زیان‌ها کافی نیست. بسیاری از رفتارهای به‌اصطلاح زیان‌بار زیست‌محیطی تنها جنبه حقوقی ندارند، بلکه ممکن است از نظر فرهنگی نیز دارای ارزش باشند. رانندگی با خودرو، مسافرت با هواپیما، برداشت مازاد از منابع ارزشمند دریایی، استفاده از مواد شیمیایی برای نظافت خانه‌ها، همگی فعالیت‌های متعارف و رایج با پیامدهای شیمیایی شدید هستند (میرخلیلی و حسانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۸-۱۲۴).

جرم‌شناسی سبز با توسعه تعریف جرم زیست‌محیطی و تمرکز بر مفهوم ضرر، آن را به هر رفتار مضر برای انسان، حیوان یا محیط زیست، حتی اگر در نظام عدالت کیفری جرم‌انگاری نشده باشد، تعمیم می‌دهد. در جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی کلاسیک، به انسان به‌عنوان قربانی جرائم زیست‌محیطی توجه می‌شود، اما امروزه تحت تأثیر مطالعات جرم‌شناسان سبز، در کنار بزه‌دیدگی انسان، بزه‌دیدگی جانداران دیگر، یعنی افراد حیوانی^۱ (ابطحی، ۱۴۰۰، ص ۶ و ۱۱) و گیاهان، بزه‌دیدگی غیرجانداران، یعنی هوا، آب، خاک و زمین نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، جرم‌شناسی سبز به مجموعه‌ای رو به رشد از تحقیقات و پژوهش‌های جرم‌شناسی اشاره دارد که شامل تعدادی رویکرد نظری متمایز است و بر

۱. این عبارت، برگردان عبارت انگلیسی non-human animals است که در متون فارسی، توسط مترجمان مختلف داخلی، گاه تحت عنوان «موجودات غیرانسانی» و در پاره‌ای موارد با عنوان «حیوانات غیرانسانی» ترجمه شده است. نگارنده، پس از مشورت با برخی مترجمان و با مراجعه به متون اصلی مرتبط، این ترجمه را که حاوی مفهوم افراد ذی‌حق و واجد حقوق است، برای این عبارت برگزید.

ماهیت و پویایی جرائم و آسیب‌های زیست‌محیطی تمرکز دارد. این رویکردها، ممکن است تعاریف وسیع‌تری از جرم نسبت به تعاریف کاملاً قانونی ارائه کنند. قوانین زیست‌محیطی (شامل ضمانت اجرا، تعقیب و اجرای احکام) و دستورالعمل‌های زیست‌محیطی، سیستم‌های حقوق اداری، مدنی و کیفری را در بر می‌گیرند که برای مدیریت، حفاظت و نگهداری محیط‌ها و گونه‌های خاص و مدیریت پیامدهای منفی فرایندهای صنعتی خاص طراحی شده‌اند (Lynch & South & Brisman, 2014, p.5; Michael et al, 2017, p.25; Hall, 2015, p.8; Nurse, 2016, p.5; 2016, p.12-16; Beirne & Nigel, 2007, p.12).

یکی از فروض اساسی جرم‌شناسی سبزاین است که جرائم زیست‌محیطی نه صرفاً بر اساس تعاریف قانونی، بلکه باید در رابطه با آسیب تعریف و بررسی شوند. دو دلیل برای توضیح این مسئله وجود دارد. نخست اینکه بسیاری از آسیب‌های زیست‌محیطی موجود قانونی هستند. آسیب به محیط زیست در بسیاری از موقعیت‌ها قابل قبول تلقی می‌شود، زیرا به نظر می‌رسد پیامد ذاتی فعالیت‌های صنعتی باشد و منافع اقتصادی قابل توجهی به همراه دارد. به عنوان مثال، در شرایط خاص، آلودگی تحت لوای مجوز یا پوشش قانونی قرار می‌گیرد و صرفاً به عنوان هزینه‌های خارجی برای انجام تجارت در نظر گرفته می‌شود (White & Heckenberg, 2014, p.2). این مسئله می‌تواند برای جرم‌شناسان سبز چالش برانگیز باشد؛ چراکه آن‌ها استدلال می‌کنند که معیارهای زیست‌محیطی وزن قابل توجهی در تصمیم‌گیری وضعیت‌های هنجاری افعال یا ترک افعال مضر برای محیط زیست، تحت عناوین «خوب» یا «سوء» به همراه دارند و قوانین همواره ارزیابی‌های دقیقی را پیش‌بینی نمی‌کنند (Bricknell, 2010, p.10).

صرف نظر از قانونی بودن، برای جرم‌شناسی سبز، آسیب‌های زیست‌محیطی نیاز به بررسی دقیق دارند و فعالیت‌هایی که باعث آسیب جدی می‌شوند، بسته به موقعیت و تحلیل خاص آن، ممکن است از منظر آسیب‌شناسی جرم‌شناختی، «کیفری» در نظر گرفته شوند.

از سوی دیگر، توسل به تعاریف قانونی جرم، از موضوعات اساسی است که از

قدرت اجتماعی و منافع گروهی نشأت می‌گیرد. براین اساس، تعریف گسترده‌تری از جرم زیست‌محیطی در جرم‌شناسی سبز، شامل آسیب‌های مرتبط با محیط‌زیست است که توسط دولت‌ها، شرکت‌ها و دیگر بازیگران قدرتمند تسهیل می‌شود، تا آنجا که این گروه‌های صاحب قدرت توانایی شکل‌دهی به تعاریف رسمی از جرائم زیست‌محیطی برای اعمال مضر را دارند (White, 2011, p.51). بنابراین، جرائم دولتی^۱ و جرائم شرکتی فراملی^۲ قابل توجه است. جرم‌شناسان در مقایسه با مطالعه جرائم داخلی، با تأخیر به بررسی علت‌شناسی، مرتکبان و قربانیان جرائم بین‌المللی و روش‌های پیشگیری از آن‌ها پرداخته‌اند. به‌عنوان یکی از دلایل این تأخیر می‌توان به رقم سیاه جرائم ناشی از ملاحظات سیاسی و همچنین جایگاه سیاسی مرتکبان آن‌ها، که نوعاً رهبران، دولتمردان، صاحبان قدرت و کارگزاران دولتی هستند، اشاره کرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۱-۱۲).

آسیب به‌عنوان یک مفهوم هنجاری، قضاوت‌های نیک و بد اجتماعی را منعکس می‌کند. آسیب زیست‌محیطی به‌طور خاص، به‌عنوان مانعی برای منافع انسانی تلقی می‌شود که از سوی هنجارهای اجتماعی مهم محسوب شده است (Lin, 2006, p.901). این ماهیت و شدت آسیب است که در تمایز میان امر غیرقانونی و آسیب شدید اهمیت پیدا می‌کند (Situ & Emmons, 2000, p.57-60). فعل غیرقانونی به رفتاری اطلاق می‌شود که طبق قانون ممنوع اعلام شده است، اما نسبت به سایر انواع آسیب‌های اجتماعی (مانند قتل) از شدت کمتری برخوردار است. به‌عنوان مثال، قطع درختان و صید گونه‌ها، از نظر قانون فعالیت‌های ذاتاً مجرمانه یا «سوء» محسوب نمی‌شوند. آسیب شدید به رفتار ذاتاً نادرست و شدید اطلاق می‌شود و مسئله اصلی نیز ممنوعیت مواد یا فعالیت‌های خاص است (White & Heckenberg, 2014, p.12). جرائم زیست‌محیطی معمولاً بر مبنای یک طیف پیوسته تعریف می‌شوند که از تعاریف دقیق قانونی تا دیدگاه‌های گسترده‌تر آسیب را در بر می‌گیرد (Bricknell, 2010, p.4).

۱. دولت به‌عنوان عامل ایجادگر آسیب زیست‌محیطی.

۲. از جمله، مشروعیت اعطا شده به فعالیت‌های مخرب زیست‌محیطی از سوی شرکت‌های بزرگ.

مسئله اینکه یک فعالیت تحت حمایت قانون است یا نه، مانع از آن نمی‌شود که جرم‌شناسان برخی از فعالیت‌های مضرمانند پاک‌سازی جنگل‌ها یا انتشار سطوح بالای کربن ناشی از فعالیت‌های انسانی را که اتفاقاً قانونی هستند، مورد نقد قرار دهند. بنابراین، جرم‌شناسی سبزچتری را فراهم می‌کند که تحت آن می‌توان آسیب‌های زیست‌محیطی غیرقانونی (آسیب‌های زیست‌محیطی که در حال حاضر غیرقانونی و در نتیجه قابل مجازات هستند) و آسیب‌های زیست‌محیطی قانونی (آسیب‌هایی که در حال حاضر غیرقانونی تلقی نمی‌شوند، اما از نظر اجتماعی و زیست‌محیطی مضر هستند) را نظریه‌پردازی و نقد کرد (White & Heckenberg, 2014, p.13).

چالش جرم‌شناسی سبز برای جرم‌انگاری بوم‌زدایی، فعالیت‌های افراد، شرکت‌ها، صنایع و دولت‌هایی است که از طریق افعال یا ترک فعل، همچنان به تداوم این مشکل کمک می‌کنند. نکته مهم این است که «آنچه برای عناصر درون یک سیستم و نظام اتفاق می‌افتد، در نهایت بر ساختار زیست‌بوم‌ها به عنوان یک کل مؤثر است و بنابراین، مهم تلقی می‌شود».

در حالی که قوانین کیفری اغلب برای امور روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرند، جرم‌شناسان انتقادی^۱ نگران هستند که قوانین کیفری چشمان خود را برصدمات گسترده یا جرائم «یقه سفید»^۲ که توسط نخبگان ثروتمند ارتکاب می‌یابند، ببندند (Kramer, 2020, p.72; Lynch & Stretesky & Long, 2019, p.277).

در حالی که امروزه یکی از انتقادات اصلی حقوق بین‌الملل کیفری این است که اغلب، به طور نامتناسبی بر افراد کشورهای در حال توسعه تمرکز می‌کند (Ezennia, 2016, p.450; Clarke & Knottnerus & de Volder, 2016, p.448). طرفداران جرم‌انگاری بوم‌زدایی اعتقاد دارند که اقدامات بوم‌زدایی اغلب توسط نخبگان ثروتمند در شمال جهان ارتکاب می‌یابد، در حالی که آسیب‌ها بیشتر به افراد جنوب تحمیل می‌شود (White, 2018, p.15).

1. Green criminologists.
2. white collar crime.

در واقع، دعوای حقوقی زیست‌محیطی پیشگامانه، تمایل به تمرکز بر مرتکبان و بازیگران قدرتمند دارد (Lindgren, 2018, p.525). بنابراین، جرم‌انگاری بوم‌زدایی ممکن است به حفاظت از کانون توجه بر جرائم قدرتمندان و «استعمارزدایی» از قواعد بین‌المللی کمک کند.

نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به اهمیت یافتن بوم‌زدایی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، حفاظت از محیط‌زیست در خلال مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نیز اهمیت دوچندانی یافته است. برای مقابله با مخرب‌ترین آسیب‌های این عصر، مقوله‌های جدیدی از جرم‌انگاری نیز لازم است. بوم‌زدایی در حال حاضر و آینده، تأثیری غیرقابل‌انکار بر سیاره زمین دارد. برای مقابله با آسیب‌های گسترده، بلندمدت و شدید، چه در زمان مخاصمات مسلحانه و وضعیت‌های غیرعادی و چه در زمان صلح، نیاز است تا از سرچشمه آن، به دنبال راه‌حل باشیم و در مقیاس بزرگ زیست‌محیطی، به جرم‌انگاری این موارد بپردازیم تا مرتکبان بوم‌زدایی، علاوه بر آسیب‌های زمان جنگ، به نتایج عملکرد خود در هر زمان و با هر شیوه‌ای توجه کنند. هرچند که تعارض میان منافع مادی و میل به مصرف‌گرایی و بهره‌برداری بی‌حد و حصر انسان، با حفاظت و حمایت از محیط‌زیست همواره در تضاد است، اما تا زمانی که ضمانت اجرای مؤثری وجود نداشته باشد، این روند رو به رشد ادامه خواهد یافت.

به نظر می‌رسد هرچند در حال حاضر شماری از کشورها، بوم‌زدایی را تحت عناوینی مانند بوم‌زدایی، جنایت علیه بشریت یا آلوده کردن محیط‌زیست طبیعی جرم‌انگاری کرده‌اند، اما فقدان ضمانت‌اجراهای مؤثر بین‌المللی رسمی برای مرتکبان اصلی (شرکت‌ها و یا دولت-ملت‌ها) از چالش‌ها و موانع کنونی است. همچنین، همواره چالش‌ها و موانعی برای امکان جرم‌انگاری بوم‌زدایی در اساسنامه رم وجود داشته است، چراکه سازوکارهای معین و مشخصی در این رابطه وجود ندارد. در صورت تحقق این امر، مشروعیت بخشیدن به آن منوط به معیارهای کمی

کشورهای تصویب کننده است. همچنین، تعقیب کیفری بوم‌زدایی در تعارض با مفهوم ماده ۲۵ اساسنامه رم، یعنی دکترین مسئولیت کیفری فردی در دیوان کیفری بین‌المللی است. تخریب محیط زیست اغلب در نتیجه اقدامات جمعی و توسط شرکت‌های بزرگ صورت می‌پذیرد و تعیین اینکه چه کسی باید در این شکل از تخریب مسئول تلقی شود، مستلزم نوآوری بزرگی در عرصه قاعده‌سازی بین‌المللی خواهد بود. از سوی دیگر، آسیب‌های گسترده زیست‌محیطی توسط یک عامل واحد به وقوع نمی‌پیوندد و اغلب توسط مجموعه‌ای از عوامل و اسباب ایجاد می‌شود. در نتیجه، احراز مجرمیت متهم، وظیفه خطیری برای مقام تعقیب کننده به همراه خواهد داشت. این چالش‌ها، علاوه بر ویژگی متمایز موارد تحت رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی، به برخی ویژگی‌های ذاتی نظام عدالت کیفری بین‌المللی مربوط می‌شود. بنابراین، قضاوت در مورد مسائل زیست‌محیطی چالش‌های واقعی به ویژه از نظر علیت و انتساب دارد. از این رو، تردیدهایی در مورد اینکه آیا مفهوم مسئولیت کیفری فردی برای رویارویی با پدیده‌هایی که اغلب منشأ چندعاملی دارند یا ناشی از اقدامات جمعی (یا مجرمیت مشترک‌اند) مناسب است، مطرح می‌شود.

نگارندگان این سطور کوشیده‌اند تا حد امکان، از آموزه‌های شاخه‌ای از جرم‌شناسی انتقادی که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ موجب تحولی عظیم در دنیای جرم‌شناسی شد، بهره بگیرند، چراکه تا قبل از ظهور این جرم‌شناسی، تبیین و توجیه جرم‌شناسان از پدیده مجرمانه چیزی جز توجیه علت‌شناسی نبود. اما با ظهور جرم‌شناسی انتقادی که شاخه‌های متعددی از جمله جرم‌شناسی سبزا در بر می‌گیرد، تمامی فرضیه‌ها متحول شدند و عناصر مهم و اساسی قانون‌گذاری کیفری (واکنش اجتماعی) و نظام عدالت کیفری، با در نظر گرفتن بررسی‌های جامعه‌شناختی، وارد این عرصه شدند. در جرم‌شناسی سبز، چتری فراهم می‌شود که در لوای آن، آسیب‌های غیرقانونی و قانونی زیست‌محیطی با تأثیر بر سیاست کیفری و جنایی کشورها نظریه‌پردازی و نقد شوند. امروزه جرم‌شناسی سبز در تلاش است تا زمینه توجه و در نهایت لزوم جرم‌انگاری آسیب‌هایی که مغفول مانده‌اند را فراهم کند و به افشای فعالیت‌هایی بپردازد که آسیب قابل توجهی به محیط زیست

وارد می‌کنند. این امر به معنای استدلال برای جرم‌انگاری رسمی رفتارهایی است که به‌ویژه برای محیط‌زیست و گونه‌ها مخرب است. بوم‌زدایی در ادبیات این جرم‌شناسی در مقیاس جهانی مطرح شده است، زیرا پیامدهای آن در سطح سیاره زمین تغییردهنده و فاجعه‌بار است. برخی نظریه‌پردازان حقوق بین‌الملل استدلال می‌کنند که از منظر حقوقی و جرم‌شناختی، اگر چنین آسیب‌هایی در نتیجه فعالیت انسانی (افراد، شرکت‌ها و یا دولت-ملت‌ها) رخ دهد، باید به‌عنوان جرائم علیه صلح تعریف شوند و جرم‌شناسی سبز نیز با این نظر موافق است.

به نظر می‌رسد که زمینه‌های مناسبی فراهم شده است تا دیوان کیفری بین‌المللی برخی از مصادیق بوم‌زدایی را در قالب ابزار ارتکاب جنایت علیه بشریت، نسل‌زدایی و جرائم جنگی مورد شناسایی قرار دهد و یا آسیب‌های زیست‌محیطی را بتوان به‌عنوان عنصر مادی جنایات بین‌المللی قلمداد کرد.^۱ با این حال، مبانی فلسفی، حقوق بشری، بزه‌دیده‌شناختی و جرم‌شناختی که دلایل اعتبار و توجیه‌گر جرم‌انگاری بوم‌زدایی هستند، به دنبال تعمیق و تدقیق امکان‌سنجی جرم‌انگاری بین‌المللی بوم‌زدایی‌اند و هر روز نیز شاهد تصویب قوانین داخلی بیشتری در جهت اعتبار بخشیدن به جرم‌انگاری بین‌المللی هستیم. برای غلبه بر مشکلات و چالش‌های زیست‌محیطی و جلوگیری از ارتکاب جنایاتی با شدت و گستردگی بوم‌زدایی، تغییر رویکرد از سطحی‌نگری به ژرف‌نگری، مؤلفه اصلی و پیشروی جرم‌انگاری‌های داخلی و بین‌المللی است، زیرا وضعیت اضطراری تغییرات اقلیمی و تنوع زیستی، با آتش‌سوزی‌های بی‌سابقه، خشکسالی و سیل،

۱. بر اساس سابقه پرونده آکایسودر موضوع تجاوز به عنف دیوان کیفری بین‌المللی رواندا، به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتکاب نسل‌زدایی در نظر گرفته شده است. به همین ترتیب، «تخریب محیط‌زیست را می‌توان به‌عنوان تسریع‌کننده نسل‌زدایی یا جنایت علیه بشریت تحت تعقیب قرار داد». همچنین در رویه دیوان کیفری بین‌المللی نیز چنین سابقه‌ای وجود دارد. در پرونده عمرالبشیر، دادستان به دنبال دستگیری متهم نسل‌زدایی به دلیل تخریب «همه گروه‌های هدف»، سمی کردن منابع آب از جمله چاه‌های عمومی، تخریب پمپ‌های آب، سرقت احشام و تخلیه شهرها و تصرف دارایی‌های خانگی روستاییان بود. علاوه بر نسل‌زدایی، تخریب محیط‌زیست برای ارتکاب جنایات علیه بشریت مانند نابودی، انتقال اجباری جمعیت، آزار و اذیت و سایر اعمال غیرانسانی می‌تواند استفاده شود. آزار و شکنجه، به‌عنوان «محرومیت عمدی و شدید از حقوق اساسی گروهی یا جمعی و برخلاف قواعد بین‌المللی» تعریف می‌شود.

موج گرمای مرگ بار، ذوب شدن یخچال‌ها و بالا آمدن سطح آب دریاها، «تهدیدکننده حقوق بشر» جهانی است. این تغییرات، عواقب سوء گسترده‌ای برای حق حیات، سلامت، مسکن و تعیین سرنوشت به همراه خواهد داشت. یکی از مشکلات جرم‌انگاری بوم‌زدایی نیز به اثبات حقایق و جمع‌آوری شواهد آسیب‌های شدید، بلندمدت و گسترده مربوط می‌شود، زیرا محیط‌زیست به خودی خود نمی‌تواند سخن بگوید و بزه‌دیده‌شناسی به دنبال تبیین و روشن‌گری آن، به مثابه طرف بالقوه حق و موضوع حق است.

فهرست منابع

۱. ابطحی، شراره. (۱۴۰۰ش). *حفاظت از گونه‌های زیستی در آموزه‌های جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی*. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۲. اسلامی اردکانی، سید حسن. (۱۳۹۲ش). اخلاق زیست محیطی: زمینه‌ها، دیدگاه‌ها و چشم‌انداز آینده. *نشریه اخلاق و حیوانی*، ۳(۴)، ۷-۳۶.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23833025.1392.3.1.1.8>
۳. اسماعیلی، مهدی. (۱۳۹۸ش). محیط‌زیست در آیین جرم‌شناسی سبز؛ *دائرة المعارف علوم جنایی*، (کتاب چهارم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: نشر میزان.
۴. اوبراین، مارتینو؛ یار، مجید. (۱۳۹۴ش). *جرم‌شناسی (مفاهیم کلیدی)*، (برگردان سید محمود خلیلی و جلال‌الدین حسانی). تهران: انتشارات بهنامی.
۵. پشمی، بهرام و نژندی منش، هیبت‌الله. (۱۴۰۱ش). انعکاس نظریه‌های عدالت کیفری در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی. *نشریه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۹(۲۳)، ۸۹-۱۲۲.
<https://doi.org/10.30513/cld.2022.3109.1576>
۶. دژاردن، جوزف آر. (۱۳۹۶ش). *اخلاق محیط‌زیست: درآمدی بر فلسفه محیط‌زیست*، (ترجمه مهدی کلاهی). تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۷. رحیمی‌نژاد، اسماعیل. (۱۳۹۸ش). *رویکردهای نوین در جرم‌شناسی انتقادی و سیاست جنایی*. تهران: انتشارات مجد.
۸. رضوی فرد، بهزاد. (۱۴۰۱ش). *سیاست جنایی در برابر بزهکاری‌های زیست محیطی*. تهران: میزان.
۹. رضوی فرد، بهزاد، و فرجی، محمد. (۱۳۹۹ش). بزهکاری منطقه‌ای: از علت‌شناسی تا شناسایی راهکارها. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۹(۳۲)، ۴۱-۶۵.
<https://doi.org/10.22054/jclr.2020.40127.1870>
۱۰. رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، و ابطحی، شراره. (۱۴۰۱ش). *حمایت از حقوق حیوانات (پنج گفتار از پروفیسور راب وایت)*. تهران: انتشارات شهردانش.
۱۱. رمون، گسن. (۱۳۶۵ش). گرایش‌های نو در جرم‌شناسی، (ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی). *مجله تحقیقات حقوقی*، ۲(۲۲).
۱۲. سینگر، پیتر. (۱۳۸۶ش). اخلاق محیط‌زیست، (ترجمه علیرضا آل بویه). *فصلنامه علمی و پژوهشی نقد و نظر*، ۱۲(۴۵-۴۶)، ۱۴۱-۱۶۹.
۱۳. شاملو، باقر؛ احمدی، اصغر؛ خسروشاهی، قدرت‌الله. (۱۳۹۶ش). بزه‌دیده‌شناسی سبز: با تأکید بر سیاست کیفری ایران. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۶(۲۰)، ۳۷-۶۷.

<https://doi.org/10.22054/jclr.2017.9924.1167>

۱۴. شاملو، باقر، و قلی‌پور، غلامرضا. (۱۴۰۱ش). میراث حقوقی گالستون: بازخوانی فرایند تولد مفهوم اکوساید. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱۳(۲۵)، ۲۲۵-۲۵۴.

<https://doi.org/10.22124/jol.2022.19312.2112>

۱۵. عابدی سروستانی، احمد؛ شاه‌ولی، منصور؛ محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۶ش). ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۲(۱-۲)، ۵۹-۷۲.

۱۶. عباچی، مریم. (۱۳۹۲ش). جرم‌شناسی سبز: دز: *دایرةالمعارف علوم جنایی*، (کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: نشر میزان.

۱۷. عبادی، احمد، و امدادی ماسوله، محمد. (۱۳۹۸ش). بوم‌شناسی ژرف‌نگر: جنبشی علیه دوگانه انسان / طبیعت و نقد آن (روی‌آوردی الهیاتی)، *پژوهشنامه فلسفه دین*، ۱۱(۱)، ۱۳۱-۱۵۴.

<https://doi.org/10.30497/pr.2020.75447>

۱۸. عرب‌اسدی، شیمایا، ورنجریان، امیرحسین. (۱۳۹۷ش). نگرانی‌های مشترک بشری: از پدیداری تا تکامل در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۸(۲)، ۳۹۹-۴۱۸.

۱۹. قاری سیدفاطمی، سید محمد، و مشهدی، علی. (۱۳۹۰ش). ماهیت حق بر محیط‌زیست. *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۴(۶).

۲۰. قلی‌پور، غلامرضا، و مهرا، نسربین. (۱۳۹۸ش). جنایت اکوساید؛ گذشته، حال و آینده. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۸(۳۰)، ۴۳-۸۱.

<https://doi.org/10.22054/jclr.2020.40615.1877>

۲۱. گرجی‌فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۷ش). *جرم‌شناسی سبز*. تهران: نشر میزان.

۲۲. مشهدی، علی. (۱۴۰۱ش). *فرهنگ ترویجی اخلاق محیط‌زیست*. قم: انتشارات سرای کتاب.

۲۳. منصورآبادی، عباس، و ریاحی، جواد. (۱۳۹۱ش). مفهوم‌شناسی «مبانی» در پژوهش‌های حقوقی. *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۱۱(۲۲)، ۹-۲۴.

۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۰ش). از جرم‌شناسی تا آسیب‌شناسی اجتماعی. *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۴(ضمیمه شماره ۵۶)، ۱۰۱۵-۱۰۳۲.

۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۸ش). جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، (درآمد دز: علی حسین نجفی ابرندآبادی و حمید هاشم‌بیگی، *دانشنامه جرم‌شناسی*). تهران: گنج دانش.

۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۶ش). جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی، (دیباجه دز: *جرم‌شناسی فراملی؛ به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی*، به کوشش نیکوکار). تهران: نشر میزان.

۲۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۷ش). درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و گونه‌های آن، (دز: *دانشنامه جرم‌شناسی محکومان*، به کوشش عباس شیری). تهران: نشر میزان.

۲۸. نصرافهانی، احمد؛ رئیسی، لیلا؛ آرش‌پور، علیرضا. (۱۳۹۹ش). جرم‌انگاری بین‌المللی زیست‌بوم‌زدایی. *نشریه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۷(۱۹)، ۲۷۳-۳۰۴.

<https://doi.org/10.30513/cld.2020.77.1006>

29. Beirne, Piers & South, Nigel. (2007). *Issues in Green Criminology: Confronting Harms against Environments, Humanity and Other Animals*. (1st Edition). Willan Publishing.

30. Berry, Thomas. (1999). *The Great Work: Our Way into the Future*. New York: Harmony/Bell Tower.

31. Claire Williams. (2013). *Wild Law in Australia: Practice and Possibilities*. *Environmental Planning and Law Journal*, 30(3), 259-284..

32. Braithwaite, John. (1998). *Corporate crime in the pharmaceutical industry*. London: Routledge and kegan Paul. <http://johnbraithwaite.com/wp-content/uploads/2016/06/Pharmaceuticals-Corporate-Cri.pdf>, 1984.

33. Brennan, Andrew & Yeuk-Sze L. (2002). Environmental ethics (In: Zalta E N, Editor. The Stanford Encyclopedia of Philosophy), Available at: <http://www.plato.stanford.edu>, first published Mon Jun 3, 2002; substantive revision Thu Jan 3, 2008.
34. Bricknell, Samantha. (2010). Environmental Crime in Australia (Report), Research and public policy series no. 109. Canberra: Australian Institute of Criminology. <https://www.aic.gov.au/publications/rpp/rpp109>.
35. Clarke, K., Knottnerus, A. & de Volder, E. (Eds). (2016). Africa and the ICC. Cambridge University Press.
36. https://digitalcommons.law.buffalo.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1241&context=book_sections, 2016.
37. Council of Europe, (2012). A Manual on Human Rights and the Environment, 2nd edn, Brussels: Council of Europe Publishing.
38. Cullinan, Cormac. (2003). Wild Law: A Manifesto for Earth Justice. New York: Siber Ink and Green Books. Preston B (2011) the use of restorative justice for environmental crime. Criminal Law Journal 35.
39. De Lucia, Vito, Competing narratives and complex genealogies: The ecosystem approach in international environmental law. Journal of Environmental Law 27(1): 91, 2015.
40. Ezennia, Celestine Nchekwube, 'the Modus Operandi of the International Criminal Court System: An Impartial or a Selective Justice Regime?' 16 International Criminal Law Review, 448, 2016.
41. Fichtelberg, Aaron, 'Resource Wars, Environmental Crime, and the Laws of War: Updating War Crimes in a Resource Scarce World', in Environmental Crimes and Social Conflict: Contemporary and Emerging Issues, https://www.lpwntb.or.id/wp-content/uploads/2021/03/Green-Criminology-Avi-Brisman-Nigel-South-Rob-White-Environmental-Crime-and-Social-Conflict_-Contemporary-and-Emerging-Issues-Ashgate-Pub-Co-2015.pdf, 2015.
42. Fisher, Douglas, 'Jurisprudential Challenges to the Protection of the Natural Environment' in Michelle Maloney and Peter Burdon (Eds), Wild Law - in Practice, 2010.
43. Freeland, Steven, 'Addressing the Intentional Destruction of the Environment during Warfare under the Rome Statute of the International Criminal Court', (PhD Thesis, Maastricht University), 2015.
44. Gray, Mark, 'The International Crime of Ecocide' 26 California Western International Law Journal 215, 1996.
45. Hall, Matthew, Victims of Environmental Harm: Rights, Recognition and Redress under National and International Law. London: Routledge. & White R and Heckenberg D (2014) Green Criminology: An Introduction to the Study of Environmental Harm. London: Routledge, 2013.
46. Hall, Matthew, Exploring Green Crime: Introducing the Legal, Social and Criminological Contexts of Environmental Harm (Palgrave Macmillan), 2015.

47. Higgins, Polly, *Eradicating Ecocide: Laws and Governance to Prevent the Destruction of our Planet*, Shephard-Walwyn Publishers Ltd, 2010.
48. Higgins, Polly, *Earth is our Business: Changing the Rules of the Game* (Shephard-Walwyn Publishers Lt), 2012.
49. Halsey, Mark, *Against Green criminology*, *British Journal of criminology* 44, 2004.
50. Hawkins, Keith, *Compliance strategy Prosecution policy, and Aunt Sally: Acomment on pearce and Tombs*, *British Journal of criminology*, Vol. 30, No. 4, 1990.
51. Kramer, Ronald C., R, *Carbon Crimes, Climate Crimes* (Rutgers Press), 2020.
52. Lin, Albert, *The Unifying Role of Harm in Environmental*, *Wisconsin Law Review*, Vol. 3, 2006.
53. Lindgren, T (2018), 'Ecocide, Genocide and the Disregard of Alternative Life-Systems', *22 International Journal of Human Rights*, 525, 2018.
54. Lynch, Michael J., & strentsky, Paul B., *The Meaning of Green: contrasting criminological perspectives, the oretical criminology* 7(2), 2003.
55. Lynch, Michael J., Stretesky, Paul B. & Long, Michael A., 'Environmental Crime Prosecutions in Ireland, 2004– 2014', *43 International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice*, 277, 2019.
56. Lynch, Michael J., Long, Michael A., Stretesky, Paul B. & Barrett, Kimberly L., *Green Criminology: Crime, Justice and the Environment* (University of California Press), 2017.
57. Melanie, Flynn & Hall, Matthew, *The case for a victimology of nonhuman animal harms*. *Contemporary Justice Review* 20(3), 2017.
58. McEwen, Graeme, *The challenge posed by feral animals'*, *Animals Theme, Reform, and Sydncy: Australian Law Reform Commission*, 2008.
59. Miller, Christopher, *Enviromental Rights: European fact or English fiction?* *Journal of criminology* 46, 1995.
60. Naess, Arne, *the shallow and the deep, long-range ecological movement*. In: Pojman L, Editor. *Environmental Ethics: Reading in Theory and Application*. Thomson Learning, London, 2001.
61. Nurse, Angus. *An Introduction to Green Criminology and Environmental Justice*, SAGE Publications Ltd, 2016.
62. Oldring, Lisa & Mackintosh, Kate. *The Crime of Ecocide through Human Rights: A New Tool for Climate Justice*
<http://www.internationalcrimesdatabase.org/> 2022.
63. OECD (Organization for Economic Co-operation and Development), *Illicit Trade: Converging Criminal Networks*. OECD Reviews of Risk Management Policies. Paris: OECD Publishing, 2016.
64. Paddy Hillyard, Paddy & Tombs, Steve, *from 'crime' to social harm? Crime, Law and Social Change, Radical and Marxist Theories of Crime*, 48(1), 2007.

65. Paterson, Ines, 'the Natural Environment in Times of Armed Conflict: A Concern for International War Crimes Law?' 22 *Leiden Journal of International Law* 325, https://edoc.huberlin.de/bitstream/handle/18452/28551/10.1017_S0922156509005846.pdf?sequence=1&isAllowed=y, 2009.
66. Pemberton, Simon A., *Harmful Societies: Understanding Social Harm*. Bristol: Policy Press, 2016.
67. Schlosberg, David, *Defining Environmental Justice: Theories, Movements, and Nature* (Oxford University Press), 2007.
68. Situ, Yingyi & Emmons, David, *Environmental Crime: The Criminal Justice System's Role in Protecting the Environment*, SAGE Publications, Inc, 2000.
69. Skinnider, Eileen, *Victims of Environmental Crime – Mapping the Issues*. Vancouver: The International Centre for Criminal Law Reform and Justice Policy, <https://globalinitiative.net/wp-content/uploads/2017/12/ICCLR-Victims-of-Environmental-Crime.pdf>, 2011.
70. Sollund, Ragnhild, *The animal other: Legal and illegal theriocide*. In: Hall, M. et al. (Eds) *Greening Criminology in the 21st Century: Contemporary Debates and Future Directions in the Study of Environmental Harm*. London: Routledge, 2017.
71. South, Nigel & Brisman, Avi, (Eds), *the Routledge Handbook of Green Criminology* (Routledge), 2013.
72. UNODC (United Nations Office on Drugs and Crime), *Digest of Organized Crime Cases. A Compilation of Cases with Commentaries and Lessons Learned*. New York: United Nations, 2012. https://www.unodc.org/documents/organized-crime/EnglishDigest_Final301012_30102012.pdf
73. Walters, Reece, *Organized crime and the environment*. In: Bruinsma G and Weisburd D (Eds) *Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*. New York: Springer, 2014.
74. White, Rob. *Transnational Environmental Crime: Toward an Eco-Global Criminology* (Routledge), 1st Edition, 2011.
75. White, Rob, *Environmental Harm: An Eco-Justice Perspective*. Bristol: Policy Press, 2013.
76. White, Rob & Heckenberg, Dianne, *Green Criminology: An Introduction to the Study of Environmental Harm* (Routledge), Bristol University Press, Policy Press, s://doi.org/10.2307/j.ctt9qgsq7, 2014.
77. Williams, Claire, *Wild law in Australia: Practice and possibilities*. *Environmental Planning and Law Journal* 30, 2013.
78. White, Rob, 'Ecocentrism and Criminal Justice' 22 *Theoretical Criminology*, 2018.
79. Zierler, David, *The Invention of Ecocide: Agent Orange, Vietnam, and the Scientists who changed the Way We Think about the Environment* (University of Georgia Press), 2012.